



پژوهشی در نحو فارسی امروز گروه و اقسام آن در زبان فارسی (۲)

تقسیم بندی گروه از لحاظ وظیفه آن در کلام - گروه از این لحاظ تقسیم می شود به گروه اسمی، گروه وصفی، گروه قیدی، گروه فعلی، گروه پیوندی، گروه وابسته ساز و گروه صوتی زیرا گفتیم ما به تعداد اقسام کلمه می توانیم گروه داشته باشیم.

گروه های فعلی از نظر ساختمان اقسامی دارند از قبیل ۱ - گروه های فعلی یک هسته ای یا یک مرکزی یا گروه وابسته دار که خود اقسامی دارند ۲ - گروه های فعلی چند هسته ای یا چند مرکزی ۳ - گروه های استمراری.

گروه های فعلی یک مرکزی - از فعل و وابسته های آن بوجود می آیند و خود به این اقسام تقسیم می شوند: الف - گروه های فعلی شبه معین دار ب - گروه های فعلی شبه مرکب.
الف - گروه های فعلی شبه معین دار - فعلها و گروه های فعلی هستند که گاهی مسندالیه یا منقولشان مصدر یا مصدر کوتاه هست که با اینها را فعل یا گروه فعلی شبه معین می گوئیم این فعلها و گروه های فعلی امروز عبارتند از بعضی از صیغه های فعل بایستن و توانستن و شدن و همچنین گرفتن و ممکنست و بهتر است و لازمست. مثال: باید رفت، ممکنست آمد، می شود گفت، باران باریدن گرفت.

مصدر کوتاه در این گروهها امروز مسندالیه فعل یا گروه فعلیست ولی در قدیم مفعول هم می شده است مانند: « ز رحمت بر او شب نیارست خفت» یعنی «نتوانست خوابیدن را». در قدیم علاوه بر اینها فعلها و گروه های فعلی شبه معین دیگری بوده اند از قبیل: یارستن، خواستن، دانستن، فرسودن، گذاشتن، آغازیدن، ایستادن، هشتن، شایستن که امروز منسوخ شده است.

(به رساله تحول فعلها شبه معین ص ۹ چاپ وحید رجوع کنید) بنابراین بر اثر تحول زبان این فعلها کاهش یافته اند.

* آقای دکتر خسرو فرشیدورد استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران. از صاحب نظران و شاعران نامدار معاصر.

ساختمان گروههای فعلی شبه معین دار امروز چنین است:

فعل شبه معین + وابسته فعل اصلی + فعل اصلی

باید	به‌خانه	رفت
ممکنست	به‌شیراز	سفر کرد
باید	او را	دید

به‌گفته دیگر ساختمان جمله‌هائی که با فعلها و گروههای فعلی شبه‌معین ساخته‌میشوند مانند ساختمان جمله فعلیست با این تفاوت که در اول این جمله‌ها عنصر شبه معین قرار دارد. در بعضی از موارد ممکنست وابسته‌های فعلی در آغاز جمله بیایند. و عنصر شبه معین به‌فعل اصلی بچسبد و ساختمان جمله و گروه فعلی به‌این صورت درآید:

وابسته فعل + عنصر شبه معین + فعل اصلی

به‌خانه	باید	رفت
---------	------	-----

این گروههای فعلی اولاً از گروههای لغزاندنند زیرا چنانکه دیدیم شکل و ساختمان ثابتی ندارند و جای اجزاء آن تغییر می‌کند ثانیاً در بسیاری از موارد جزء گروههای بزرگند و آن هنگامیست که فعل اصلی (مصدر) آنها دارای وابسته باشد در این صورت خود گروه فعلی بشمار می‌رود نه گروه اسمی مانند «باید به‌خانه رفت» که «به‌خانه رفت» را میتوان گروه فعلی نیز بشمار آورد.

ب - گروههای فعلی شبه مرکب - این گروهها به فعلهای مرکب شباهت دارند به افعالی مانند: از دست دادن، پاشدن، انجام دادن و خود بر دو دسته‌اند یکی آنهایی که حذفی در اجزاء آنها رخ نداده است مانند «به‌خانه رفتن» و «کسی را دیدن» و غیره و دیگر آنهایی که بعضی از اجزاءشان حذف شده است مانند «غذا خوردن»، «لباس پوشیدن»، کار کردن که عنصر «را» در آنها حذف گردیده. این گروهها به‌فعل و یا فعل مرکب نزدیکند.

گروههای فعل شبه مرکب از فعل و وابسته‌های آن بوجود آمده‌اند و این وابسته‌ها عبارتند از: ۱ - قید مانند او تند رفت ۲ - متمم قیدی مانند او به مدرسه رفت ۳ - مفعول صریح مانند «او را دیدم» و «کتاب خرید» ۴ - مکمل یا پردازه مانند او «زیرک است» و «او را زیرک یافتم».

نگارنده وابسته‌های فعل و خصوصیت هر یک را در دستور امروز سستری کرده است و هم چنین در مقاله ساختمان جمله فعلی بسیط در فارسی امروز^۱ به این موضوع پرداخته است و در مقاله یاد شده وابسته‌های لازم فعل را به تفصیل شرح داده است و در اینجا فقط اشاره به نوعی فعل که دارای متمم لازمست خالی از فایده نیست. اینک تفصیل این مجمل: بعضی از فعلها یا گروههای فعلی مفعول رائی ندارند اما دارای مفعول بواسطه‌ای هستند که از عناصر لازم جمله است و میتوان آن را متمم لازم هم نامید. این فعلها یا گروههای فعلی عبارتند از: جنگیدن، ترسیدن، معاشرت کردن، وعده دادن، مساوی بودن، ازدواج کردن، علاقه‌مند بودن. مثال: آلمان با فرانسه جنگید، پری از سگ می‌ترسد، من با احمد معاشرت نمی‌کنم، دو مساوی

۱ - به صفحات ۱۵۲، ۶۳، ۵۱، ۴۰ نگاه کنید.

۲ - این مقاله به صورت جزوه‌های درسی دانشجویان در اردیبهشت ۵۵ در دانشکده ادبیات تکثیر شده است و بزودی چاپ خواهد شد.

است با دو، فرهاد با پروین ازدواج کرد، او در میهمانی شرکت کرد، او به شما علاقه مند است. بعضی از این متمم‌ها لغزاند یعنی هم پیش از فعل می‌آیند و هم بعد از آن و هم بین اجزاء گروه فعلی قرار می‌گیرند مانند: این کار به من ارتباط ندارد. (پیش از گروه فعلی) این کار ارتباط به من ندارد (بین اجزاء گروه فعلی) این کار ارتباط دارد به من (بعد از فعل) از این قبیلند گروه‌های فعلی «علاقه‌مند بودن» و «امیدوار بودن» و علاقه داشتن و غیره.

گفتیم بعضی از گروه‌های فعلی شبه مرکب بر اثر حذف بعضی از اجزاء آن کوتاه می‌شوند و به برخی از فعل‌های مرکب شباهت پیدا می‌کنند مانند «او غذا را خورد»، «فرهاد لباسش را پوشید» و «فریدون رفت خانه» که بر اثر حذف «را» تبدیل می‌شود به «او غذا خورد» و «فرهاد لباس پوشید» و «فریدون رفت خانه».

گروه‌ها و مجموعه‌هایی مانند فریب خوردن، کار کردن، پاشدن، و صدها مانند آن بدین طریق ساخته شده‌اند. برای دیدن ساختمان اینگونه گروه‌های فعلی شبه مرکب به مقاله «کلمه مرکب و سیار تشخیص آن در زبان فارسی» مجموعه سخنرانی‌های دومین کنگره تحقیقات ایرانی ص ۱۹۲ سال ۱۳۵۱ نوشته نگارنده مراجعه کنید.

یادآوری - هنگامی که «را» یا حروف اضافه از آغاز وابسته فعل حذف شود و آن وابسته به فعل نزدیک می‌گردد و گروه فعلی به فعل مرکب مشابعت پیدا می‌کند. مانند هوشنگ کتاب را به فریدون داد که بعد از حذف «را» میشود «هوشنگ به فریدون کتاب داد» یا «فرهاد قلم را از هوشنگ خرید» که می‌شود «فرهاد از هوشنگ قلم خرید».

بنابر این یکی از عواملی که موجب می‌شود جای اجزاء گروه فعلی در جمله تغییر کند حذف «را» است. گروه‌های فعلی شبه مرکب بیشتر با فعل‌های خاصی می‌آیند که میتوان آنها را **فعل‌های کمکی** نامید این فعل‌ها که آقای دکتر خانلری آنها را همکردهای غالب^۱ و همایون فرخ آنها را معین فرعی^۲ نامیده است عبارتند از: کردن، دادن، خوردن، دیدن، زدن، آمدن، آوردن، بردن، بستن، خواستن، داشتن، رفتن، ساختن، شدن، فرسودن، کشیدن، گرداندن، گردانیدن، گشتن، نمودن، نهادن و یافتن. اگرچه بیشتر فعل‌های مرکب و گروه‌های فعلی شبه مرکب با این فعل‌های کمکی ساخته می‌شوند. اما با غیر از اینها هم می‌توان گروه فعلی شبه مرکب ساخت مانند لباس پوشیدن.

گروه‌های فعلی شبه مرکب از گروه‌های لغزاند و بین آنها و فعل می‌تواند فاصله‌ای بیفتد مانند او را تسلیم دادگاه کرد و جزء غیر فعلی آنها میتواند گسترش یابد یعنی اگر اسمست می‌تواند جمع شود و مضاف الیه و صفت بگیرد مانند کار کرد، کارها کرد، فریب سختی خورد، او فریب شما را خورد، او کار کرد، کاری کرد و اگر صفت بیانیه است می‌تواند تفضیلی شود مانند او دیوار را سفید کرد یا سفیدتر کرد.^۳

تکیه اجزاء گروه فعلی با تکیه اجزاء فعل مرکب نظیر آن تفاوتی ندارد مثلا تکیه اجزاء «انجام دادن» (فعل مرکب) با «رفتار کردن» (گروه فعلی) یکسانست درحالی که تکیه

۱- ساختمان فعل از دکتر خانلری ص ۲۵ چاپ اول

۲- دستور جامع زبان فارسی ص ۵۰۷ و ۵۷۱ و ۹۵۷

۳- به صفحه ۱۷۴ و ۱۷۵ کلمه مرکب نوشته نگارنده و در مجموعه سخنرانی‌های دومین کنگره ایران‌شناسی رجوع کنید.

اجزاء گروههای اسمی با تکیه اجزاء اسمهای مرکب نظیر آن تفاوت دارد مثلا تکیه اجزاء چهارراه «گروه» با تکیه اجزاء چهارراه (کلمه مرکب) متفاوتست و این امر شاید دلیلی باشد به نفع کسانی که گروههای فعلی شبه مرکب را هم فعل مرکب می دانند گروههایی مانند کار کردن، غذا خوردن، لباس پوشیدن، فریب دادن.

گروههای فعلی شبه مرکب معمولا با همان حرف اضافه ای متمم میگیرند که جزء غیر فعلی آنها میگیرد مثلا ما این گروههای اسمی معاشرت با مردم، مربوط به شما، شرکت در عروسی و غیره را داریم وقتی اینها تبدیل به گروه فعلی شدند با همان حرف اضافه ها (باوبه) متمم میگیرند. مثال: او با مردم معاشرت می کند این کار به شما مربوط است فرهاد در جشن عروسی شرکت کرد و غیره بنابراین نوعی تقارن و تناسب بین متمم فعل و متمم اسمها و صفات مشتق از آن وجود دارد.

بعضی از این گروههای فعلی به صورت مجهول هم در سی آیند در آن صورت جزء غیر فعلی که معمولا اسم است مسندالیه آنها محسوب می شود مانند با او سخن گفته شد با او صحبت کرده شد که در اینجا سخن و صحبت مسندالیه محسوب می شوند.

بسیاری از این فعلها و گروههای فعلی آنهایی هستند که معنی مفاعله دارند و متمم آنها با حرف «با» می آید مانند جنگیدن، معاشرت کردن، زندگی کردن، شاعره کردن، معارضه کردن، معاوضه کردن.

بتمم های مکانی فعلهایی که معنی حرکتی دارندگاهی از عناصر لازم جمله اند مانند من به خانه رفتم، او به شیراز حرکت کرد، او را به اصفهان فرستاد، من از تهران عبور کردم، هوشنگ را به تهران بردم.

باری وابسته های فعل دو قسمند یکی وابسته های افزایشی و گسترنده دیگر وابسته-

های لازم و پردازنده وابسته های افزایشی و گسترنده عبارتند از قید و متمم قیدی یعنی مقولاتی که بر زمان، مکان، کیفیت، حالت، شماره ترتیب، ابزار، مقدار، تاکید و غیره دلالت می کنند.

وابسته های پردازنده یا لازم عبارتند از: مکمل یا پردازنده (مسند)، مفعول رانی، مفعول

بواسطه و غیره و گروههای فعلی که مفعول بواسطه می گیرند یکی آنهایی هستند که در بالا

شرحشان گذشت یعنی آنهایی که مفعول رانی ندارند و دیگر آنهایی که هم مفعول رانی دارند

و هم مفعول بواسطه و آنها را باید افعال متعدی دو مفعولی نامید اینها عبارتند از: دادن،

گرفتن، سپردن، بخشیدن، اعطا کردن، گفتن، حکایت کردن، شنیدن، پرسیدن، تقاضا کردن،

خواستن، فرو بردن، آگاه کردن، خبر دادن، منع کردن، پرداختن، واداشتن، برانگیختن، مبادله

کردن، پذیرفتن، قبول کردن، نشان دادن، آموختن، یاد دادن، تعلیم دادن، رها کردن،

تحویل دادن، پس دادن، پس گرفتن، عوض کردن، اعلام کردن، پنهان کردن، فروختن،

خریدن، مخلوط کردن، آمیختن، فرستادن، توضیح دادن، تحویل گرفتن، تشبیه کردن، علاقه مند

کردن، نوشتن، معرفی کردن و مانند آنها. مثال: کتابم را به او دادم، مدادم را از او گرفتم.

ج - گروههای فعلی استمراری - از اقسام گروههای فعلی که امروز رایج شده گروههای

فعلی استمراریست که با فعل معین داشتن بوجود می آید. این گروهها یا مضارع استمراریست

و یا ماضی استمراری مانند دارم میروم و داشتم میرفتم و داشته است میرفته است.

در این گروهها فعل معین بدون «سی» است ولی فعل اصلی با سی همراه است مانند

مثالهای یاد شده.

این گروههای فعلی گاهی پیوسته‌اند و گاهی گسسته مانند من او را داشتم سیدیدم یا من داشتم او را سیدیدم.

مسندالیه معمولاً در آغاز این گروهها سی‌آید ولی وابسته‌های فعل بخصوص مکمل‌ها بین فعل معین و فعل اصلی قرار میگیرند به همین سبب نمی‌توان اینها را مانند ماضی نقلی و بعید و مستقبل زبان مرکب دانست. مثال: من داشتم دیوار را پاک سی‌کردم: او دارد نامه اداری سی‌نویسد. با اینحال مرکب بودن این گروهها را هم نمی‌توان نفی کرد.

یادآوری - از اقسام گروههای استمراری آنها نیست که با مشغول و در حال از طرفی و فعل بودن از طرف دیگر ساخته شود مانند او در حال پیشرفت بود، او مشغول نوشتن بود.

۲- **گروههای فعلی چند هسته‌ای** - اینگونه گروهها از فعلهایی که دارای همپایه یا تأکیدی یا بدلند بوجود سی‌آید مانند گروه فعلی همپایه «آمد و نشست» در جمله «هوشنگ آمد و نشست» و «او رفت رفت تا رسید به قلعه سنگباران» که «رفت رفت» گروه فعلی تأکیدیست.

برای آگاهی بیشتر از گروههای فعلی همسانی و چند هسته‌ای به دستور امروز صفحه‌های ۱۰۰ و ۱۰۱ نگاه کنید.

گروه فعلی بدلی از فعل و بدل آن بوجود سی‌آید مانند فرهاد کوشید یعنی سعی کرد.

دنباله دارد

۱- به دستور امروز ص ۱۳۰ و ۱۳۱ نگاه کنید.

از جهان ایمن مباش

چنین است گیتی ز نزدیک و دور
بکردار دریاست کز وی بچنگ
سرانجام از او ایمنی نیست روی
چه پائی تو؟ ای پیرمانده، شکفت!
به پیری چرا گشت بار تو پیش
چو همراه شد توشه، سازو مایست
گهی سوک و ماتم، گهی بزم و سور
یکی در درآرد، یکی ریگ و سنگ
که هرکش پرستد بمیرد در اوی
که بارت شدو کاروان ره گرفت
جوانان نگر، چون برفتند پیش
که دور است ره، و زشدن چاره نیست
اسدی طوسی قرن چهارم